

رابطه ی سبک های تفکر با پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد

سجاد بداتی، زهره اندیشه، علی مشهدی

چکیده

پیشرفت تحصیلی دانشجویان یکی از شاخص های مهم در ارزیابی آموزش و پرورش است و تمام کوشش های این نظام در واقع برای جامه ی عمل پوشاندن به این امر است. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه ی بین سبک های تفکر با پیشرفت تحصیلی دانشجویان می باشد. جامعه ی آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد بودند. نمونه ای به حجم ۳۴۶ نفر (۶۱ درصد مرد و ۳۹ درصد زن) با روش دردسترس انتخاب شد. ابزارهای پژوهش شامل پرسش نامه ی خود ارزیابی سبک های تفکر استرنبرگ و واگنر و نمرات معدل دانشجوین بود. روش پژوهش، از نوع توصیفی- همبستگی بود. نتایج نشان داد که فقط بین سبک های تفکر سلسله مراتبی با پیشرفت تحصیلی رابطه ی مثبت و معناداری وجود دارد و پیشرفت تحصیلی بر اساس سبک های تفکر قابل پیش بینی است. نتایج بررسی رابطه ی سبک های تفکر با پیشرفت تحصیلی بر حسب جنسیت نشان داد که در پسران بین سبک های تفکر سلسله مراتبی و آزادی خواه با پیشرفت تحصیلی رابطه ی مثبت و معناداری و در دختران بین سبک های تفکر گروه سالار و کلی با پیشرفت تحصیلی رابطه ی منفی و معناداری وجود دارد. با توجه به یافته های به دست آمده از پژوهش حاضر می توان بیان داشت که سبک تفکر سلسله مراتبی مهمترین نقش را در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دارد و این رابطه بر حسب جنسیت نیز کمی تفاوت دارد. از این رو پیشنهاد می شود که به اهمیت نقش سبک های تفکر در پیشرفت تحصیلی توجه ویژه شود.

کلیدواژه ها: سبک های تفکر، پیشرفت تحصیلی، جنسیت، دانشجو، دانشگاه فردوسی



چرا بعضی از دانش آموختگان در آموزشگاه راحت تحصیل می کنند در حالی که افراد دیگری با توانایی های یکسان رد می شوند؟ با روش های بسیاری می توان به این سوال پاسخ داد، چون روش های متنوعی از توصیف کردن تفاوت های فرد در پیشرفت تحصیلی وجود دارد. معمولاً، بسیاری از روانشناسان و مربیان، موفقیت ها و شکست های پیشرفت تحصیلی دانش آموختگان را به طور گسترده به تفاوت های فردی در توانایی ها نسبت داده اند (زانگ^۱، ۲۰۱۰). در چند دهه ی اخیر، دانش پژوهان عوامل دیگری را که بر خروجی های یادگیری دانشجویان تاثیر می گذارند، بررسی کرده اند. یکی از عوامل اصلی جالبی که بررسی شده، ساختار سبک^۲ است. سبک ها توانایی نیستند اما به روش ترجیحی افراد در استفاده از توانایی هایشان در تکالیف شناختی اشاره دارند (گریگورنکو و استرنبرگ، ۱۹۹۵؛ رایدینگ و چیمبا، ۱۹۹۱؛ به نقل از برناردو^۳، زانگ و کالنگ^۴، ۲۰۰۲). پژوهش های مبتنی بر نظریه ی سبک ها هم نشان داده اند که سبک نقش مهمی در یادگیری دانش آموختگان بازی می کند (زانگ، ۲۰۱۰). یکی از نظریه هایی که به سبک ها می پردازد، نظریه ی خودحکومتی ذهنی^۵ استرنبرگ است. نظریه ی خودحکومتی ذهنی، سبک های تفکر^۶ مردم را که ممکن است در زمینه های متفاوت از جمله دانشگاه، خانه و جامعه استفاده شود، عنوان می کند. به طور اساسی، این نظریه با اندیشه ای که مردم برای اداره و مدیریت توانایی های هر روزه شان نیاز دارند، سروکار دارد (زانگ، ۲۰۱۰). چرا بسیاری از افراد که در مدرسه شکست می خورند، در زندگی خود موفق می شوند؟ چرا برخی از افراد به قانون، دیگران به پزشکی و حتی برخی به حسابداری گرایش پیدا می کنند؟ اینها فقط برخی از سوالاتی هستند که می توان از طریق درک سبک تفکر نشان داد. (استرنبرگ^۷، ۱۹۹۷). استرنبرگ بیان می کند که ساختارهای هوش اجتماعی، عملی و هیجانی یا هوش های چندگانه، نظریه ی ما را درباره ی آنچه که مردم می توانند انجام دهند به تفصیل شرح می دهند - اما ساختار سبک، نظریه ی ما درباره ی آنچه که مردم ترجیح می دهند انجام دهند - چگونه آنها توانایی هایی که دارند را به کار می برند، توضیح می دهد. وقتی که نیمرخ سبک های تفکر شما به خوبی با محیط مطابقت دارد، شما پیشرفت می کنید. زمانی که آن به بدی همتا شده، شما رنج می برید. سطح های متفاوت تدریس و حوزه های متفاوت موضوعی به سبک های متفاوتی پاداش می

1. Zhang, L. F.

2. Style

3. Bernardo, A.B.

4. Callueng, C.M.

5. The theory of mental self-government

6. Thinking style

7. Sternberg



دهند، با این نتیجه شما می توانید همان طور که مدرسه (یا کارها یا روابط، تا جایی که مربوط به این امر است) را پشت سر می گذارید، بسته به این که چگونه نیمرخ سبک های شما با آنچه محیط انتظار دارد، مطابقت دارد و چگونه محیط شما را ارزیابی می کند، بدتر یا بهتر عمل می کنید. به طور مشابه، شغل های متفاوت و سطوح شغل ها نیز به سبک های مختلف به طور متفاوتی پاداش می دهند. (استرنبرگ، ۱۹۹۷). به عقیده ی زانگ (۲۰۱۱) متاسفانه در بسیاری از فرهنگ هایی که رابطه ی سبک های تفکر با پیشرفت تحصیلی مطالعه شده، استفاده از سبک های تفکر اجرایی، جزئی، تک سالار و محافظه کار (به جای سبک های تفکر قانون گذار، قضایی، سلسله مراتبی، کلی و آزادی خواه که اغلب هر موقعیت علمی در رشد مورد هدف قرار می دهد) گرایش به سوق دادن به پیشرفت تحصیلی بهتر دارد. این حداقل موردی در هنگ کنگ، فیلیپین و اسپانیا بود. بر اساس دیدگاه های استرنبرگ و زانگ نوع دروس هم با نوع سبک تفکر در فرد دارای رابطه است. بر اساس این نظریه سبک های تفکر در طول زندگی تغییر می یابند و تابع شرایط و اوضاع محیطی فرد است. همچنین استرنبرگ بیان می کند که سبک های تفکر دختران و پسران، به دلیل اینکه ممکن است سبک های خاصی در دختران و پسران مورد تشویق یا تنبیه قرار گیرند متفاوت هستند (زانگ، ۲۰۰۱ و آلبالی، ۲۰۰۷؛ به نقل از ابوالقاسمی نجف آبادی، نظری فر، کمالی و حسینی هفشجانی، ۱۳۸۹). استرنبرگ (۱۹۹۷) بیان می کند که مردم به روش های متفاوتی فکر می کنند و علاوه بر این پژوهش های ما نشان داده است که آنها در مقداری که دیگران به روش آنها فکر می کنند، اغراق می کنند. در نتیجه سوء تفاهمات می توانند رشد کنند - بین همسران، والدین و فرزندان، معلمان و دانش آموزان و مدیران و کارمندان. درک سبک های تفکر و یادگیری می تواند به مردم کمک کند تا از این سوء تفاهمات جلوگیری کنند و در حقیقت به درک بهتری از همدیگر و خودشان برسند. با توجه به اهمیت مفهوم سبک های تفکر و یافته های ذکر شده مبنی بر عدم پوشش داده شدن جامع مفهوم سبک های تفکر در پژوهش های پیشین از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه ی بین سبک های تفکر با پیشرفت تحصیلی دانشجویان می باشد.

روش پژوهش

روش پژوهش با توجه به ماهیت موضوع و اهداف پژوهش، توصیفی - همبستگی انتخاب شد. این پژوهش از حیث روش، پژوهش کمی و با استفاده از روش همبستگی انجام شد. در پژوهش های همبستگی رابطه میان متغیرها بر اساس هدف پژوهش تحلیل می گردد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۱). جامعه آماری این پژوهش شامل کل دانشجویان مشغول به تحصیل در مقطع کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ بودند و تعداد آنها برابر با ۱۲۶۶۸ نفر بود.



روش نمونه گیری در این پژوهش طبقه ای متناسب با حجم گروه آموزشی می باشد و برای برآورد حجم نمونه از جدول مورگان استفاده شد که از این طریق ۳۷۰ نفر برآورد گردید اما پس از کنار گذاشتن پرسشنامه های مخدوش نمونه نهایی شامل ۳۴۶ نفر شد. برای اندازه گیری و تعیین سبک تفکر دانشجویان از پرسش نامه ی خود ارزیابی سبک های تفکر استرنبرگ و واگنر (۱۹۹۱؛ به نقل از مهدوی شکیب، ۱۳۹۰) و برای ارزیابی پیشرفت تحصیلی از نمرات معدل آن ها استفاده شد. پرسش نامه ی اولیه دارای ۱۰۴ عبارت بود که ۱۳ نوع سبک تفکر را اندازه گیری می کرد، با توجه به تعداد زیاد سوالات پرسش نامه، محدود بودن وقت آزمودنی ها و عدم رغبت به تکمیل پرسش نامه های طولانی که خطر کاهش سطح دقت آنان را افزایش می داد و جنبه ی عمومی استفاده ی آن برای گروه های مختلف عبارت های پرسش نامه برای ارزیابی سبک تفکر جامعه هدف به ۵۶ مورد کاهش پیدا کرد (مهدوی شکیب، ۱۳۹۰). گزینه ها بر اساس طیف هفت گزینه ای لیکرت (۱ به معنای کمترین میزان اهمیت یا انطباق تا ۷ به معنای بالاترین میزان اهمیت و انطباق با ویژگی های فرد) تنظیم شده اند. عبارت های معرف ۱۳ سبک تفکر استرنبرگ در پرسش نامه به شرح جدول زیر می باشند (مهدوی شکیب، ۱۳۹۰). برای بررسی پایایی پرسش نامه ی سبک تفکر استرنبرگ، مهدوی شکیب (۱۳۹۰) در پژوهش خود ابتدا یک آزمون مقدماتی انجام داد که در آن آزمودنی به پرسش نامه ی سبک های تفکر پاسخ دادند، پس از تحلیل نتایج به وسیله ی نرم افزار Spss، پایایی پرسش نامه ی سبک های تفکر، ۰/۹۲ به دست آمد. همچنین ضریب پایایی خرده آزمون ها از ۰/۵۱ برای سبک بیرونی تا ۰/۸۳ برای سبک درونی - با میانگینی برابر ۰/۶۴ به دست آمده بود. استرنبرگ و همکاران به منظور بررسی پایایی پرسش نامه سبک های تفکر مطالعات مفصلی انجام داده اند: ضریب پایایی خرده آزمون ها از ۰/۵۶ برای سبک اجرایی تا ۰/۸۸ برای سبک کلی - با میانگینی برابر ۰/۷۸ به دست آمده است. مهدوی شکیب (۱۳۹۰) بیان می کند که نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی همسو با نتایج تحلیل عاملی در پژوهش های زانگ (۲۰۰۲ و ۲۰۰۶)، کانو و هیوگز (۲۰۰۰) می باشد. در این پژوهش داده های جمع آوری شده بعد از ثبت در نرم افزار SPSS بر اساس روش های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه همزمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته های پژوهش

در این پژوهش که رابطه سبک های تفکر با پیشرفت تحصیلی مورد بررسی قرار می گیرد گروه نمونه شامل تعداد ۳۴۶ نفر از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد می باشد. جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی های پژوهش را در متغیرهای مورد نظر ارائه می دهد.



جدول ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرها

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف استاندارد
سبک تفکر قانون گذار	۵/۲۲	۰/۹۲
سبک تفکر اجرایی	۴/۹۴	۰/۸۳
سبک تفکر سبک قضایی	۵/۲۱	۰/۸۰
سبک تفکر تک سالار	۴/۳۳	۰/۹۱
سبک تفکر سلسله مراتبی	۵/۱۳	۰/۸۹
سبک تفکر گروه سالار	۳/۷۹	۱/۰۲
سبک تفکر هرج و مرج سالار	۴/۴۷	۰/۸۲
سبک تفکر کلی	۴/۵۸	۰/۹۰
سبک تفکر جزئی	۴/۲۰	۰/۹۲
سبک تفکر درونی	۴/۱۴	۱/۰۳
سبک تفکر بیرونی	۵/۲۹	۰/۹۷
سبک تفکر آزادی خواه	۵/۱۹	۰/۹۶
سبک تفکر محافظه کار	۴/۳۰	۰/۹۱
معدل	۱۵/۸۸	۱/۶۸

همانطور که در جدول بالا ملاحظه می شود بیشترین و کمترین میانگین در سبک های تفکر مربوط به سبک تفکر بیرونی و گروه سالار می باشد. در ادامه همبستگی متغیرهای سبک های تفکر با پیشرفت تحصیلی به طور کلی و به تفکیک جنسیت ارائه می شود.



جدول شماره ۲: همبستگی بین سبک های تفکر و پیشرفت تحصیلی

سبک های تفکر	
قانون گذار	۰/۰۴۶
اجرایی	-۰/۰۱۱
قضایی	۰/۰۰۵
تک سالار	-۰/۰۹۸
سلسله مراتبی	*۰/۱۱۹
گروه سالار	-۰/۰۷۲
هرج و مرج سالار	۰/۰۵۳
کلی	-۰/۰۷۶
جزئی	۰/۰۴۰
درونی	-۰/۰۳۰
بیرونی	۰/۰۰۰
آزاد منشانه	۰/۰۷۱
محافظة کار	-۰/۰۶۸

** همبستگی در سطح $p < 0/01$ ، * همبستگی در سطح $p < 0/05$

برای بررسی رابطه بین سبک های تفکر و پیشرفت تحصیلی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که فقط بین سبک تفکر سلسله مراتبی با پیشرفت تحصیلی رابطه ی مثبت و معناداری وجود دارد. در ادامه برای بررسی رابطه بین سبک های تفکر و پیشرفت تحصیلی در پسران از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۳: همبستگی بین سبک های تفکر و پیشرفت تحصیلی در پسران	
سبک های تفکر	
متغیرها	پیشرفت تحصیلی
قانون گذار	۰۰۰/۰۰-
اجرایی	۰/۰۰۰
قضایی	۰/۰۹۰
تک سالار	۶۷۰/۰۰-
سلسله مراتبی	۳۶۱/۰۰***
گروه سالار	۸۲۰/۰۰-
هرج و مرج سالار	۱۷۰/۰۰
کلی	۰۰۰/۰۰-
جزئی	۶۲۰/۰۰
درونی	-۰/۰۴۲
بیرونی	۳۳۰/۰۰
آزاد منشانه	۸۸۱/۰۰*
محافظة کار	۳۶۰/۰۰-

** همبستگی در سطح $p < 0/01$ ، * همبستگی در سطح $p < 0/05$



در ادامه برای بررسی رابطه بین سبک های تفکر و پیشرفت تحصیلی در دختران از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول شماره ۴: همبستگی بین سبک های تفکر و پیشرفت تحصیلی در دختران

متغیرها	سبک های تفکر										پیشرفت تحصیلی		
	قانون گذار	اجرایی	قضایی	تک سالار	سلسله مراتبی	گروه سالار	هرج و مرج سالار	کلی	جزئی	درونی		بیرونی	آزاد مشانه
	۰/۰۴۱	-۰/۰۱۱	-۰/۰۰۳	-۰/۰۱۰	-۰/۰۰۹	*۰/۰۱۷۵	۰/۰۰۷	*۰/۰۱۷۱	۰/۰۴۷	۰/۰۴۰	-۰/۰۹۱	۰/۰۴۰	-۰/۰۷۶

** همبستگی در سطح $p < 0/01$ ، * همبستگی در سطح $p < 0/05$

برای بررسی رابطه بین سبک های تفکر و پیشرفت تحصیلی در پسران و دختران از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که در پسران در سطح $p < 0/01$ بین سبک تفکر سلسله مراتبی با پیشرفت تحصیلی رابطه ی مثبت و معناداری وجود دارد و در سطح $p < 0/05$ سبک تفکر آزادی خواه با پیشرفت تحصیلی رابطه ی مثبت و معناداری دارد. در دختران در سطح $p < 0/05$ فقط بین سبک تفکر گروه سالار و کلی با پیشرفت تحصیلی رابطه ی منفی و معناداری وجود دارد.

در نهایت برای بررسی نقش پیشین سبک های تفکر در پیشرفت تحصیلی از رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد که نتایج آن در جداول زیر ارائه شده است.



جدول شماره ۵: نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون چندگانه پیشرفت تحصیلی

ANOVA^b

معناداری	F	\bar{X}^2	df	جمع مربع ها	مدل
۰/۲۱۷a	۱/۲۸۹	۳/۶۲۴	۱۳	۴۷/۱۰۷	رگرسیون
		۲/۸۱۱	۳۳۲	۹۳۳/۲۴۲	باقی مانده
			۳۴۵	۹۸۰/۳۴۹	کل

a. پیش بینی (ثابت): سبک های تفکر محافظه کار، قانون گذار، گروه سالار، بیرونی، تک سالار،

جزئی، سلسله مراتبی، هرج و مرج سالار، کلی، درونی، آزادی خواه، اجرایی، سبک قضایی

b. متغیر وابسته: معدل

همانطور که نتایج جدول بالا نشان می دهد ترکیب متغیرهای سبک های تفکر با هم قادر به پیش بینی پیشرفت تحصیلی نمی باشند در واقع با توجه به اینکه در جدول تحلیل واریانس رگرسیون مقدار F معنی دار نیست ($F(13,332) = 1/28, p < 0/27$) لذا می توان گفت پیشرفت تحصیلی بر اساس سبک های تفکر قابل پیش بینی نیست.

جدول ۶: نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون چندگانه جهت پیش بینی پیشرفت تحصیلی

بر اساس سبک های تفکر

کنگره سراسری روانشناسی خانواده

معناداری	t	ضرایب		مدل
		ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد	
		خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۱۸/۴۸۲	۰/۸۷۶	۱۶/۱۸۹	(ثابت)
۰/۴۸۸	۰/۶۹۴	۰/۰۵۲	۰/۱۳۸	قانون گذار
۰/۷۰۰	-۰/۳۸۶	-۰/۰۳۱	۰/۱۶۴	اجرایی
۰/۷۷۱	-۰/۲۹۲	-۰/۰۲۵	۰/۱۷۷	سبک قضایی
۰/۲۶۲	-۱/۱۲۴	-۰/۰۷۴	۰/۱۲۳	تک سالار
۰/۰۳۷	۲/۰۸۹	۰/۱۵۹	۰/۱۴۳	سلسله مراتبی
۰/۳۹۱	-۰/۸۵۸	-۰/۰۵۶	۰/۱۰۷	گروه سالار
۰/۱۷۱	۱/۳۷۲	۰/۰۹۶	۰/۱۴۴	هرج و مرج سالار



۰/۴۵۵	-۰/۷۴۸	-۰/۰۵۵	۰/۱۳۶	-۰/۱۰۲	کلی
۰/۶۰۵	۰/۵۱۷	۰/۰۳۵	۰/۱۲۴	۰/۰۶۴	جزئی
۰/۴۰۳	-۰/۸۳۸	-۰/۰۶۴	۰/۱۲۶	-۰/۱۰۶	درونی
۰/۵۲۱	-۰/۶۴۲	-۰/۰۵۴	۰/۱۴۷	-۰/۰۹۴	بیرونی
۰/۹۲۹	-۰/۰۸۹	-۰/۰۰۷	۰/۱۳۹	-۰/۰۱۲	آزادی خواه
۰/۴۱۱	-۰/۸۲۳	-۰/۰۶۳	۰/۱۴۲	-۰/۱۱۷	محافظه کار

a. متغیر وابسته: معدل

اما با توجه به وزن های بتا فقط سبک تفکر سلسله مراتبی در پیشبینی میزان نمره پیشرفت تحصیلی نقش دارد.

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که فقط بین سبک های تفکر سلسله مراتبی با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه هم نشان داد که متغیر پیشرفت تحصیلی از طریق سبک های تفکر قابل تبیین است که با توجه به وزن های بتا فقط سبک تفکر سلسله مراتبی در میزان نمره پیشرفت تحصیلی نقش دارد. یافته های این پژوهش با پژوهش عبدالله زاده (۱۳۸۸) در این رابطه که پیشرفت تحصیلی بر اساس سبک های تفکر قابل پیش بینی است، هماهنگ است. نتایج پژوهش حاضر در خصوص ارتباط مثبت بین پیشرفت تحصیلی و سبک تفکر سلسله مراتبی، با نتایج بررسی های زانگ و استرنبرگ (۱۹۹۸) زانگ (۲۰۰۱b)، زانگ (۲۰۰۱c)، برناردو و همکاران (۲۰۰۲) و شکری و همکاران (۱۳۸۵) همسو می باشد زیرا آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین سبک تفکر سلسله مراتبی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبتی وجود دارد ولی از جهت دیگر با پژوهش آنها متفاوت می باشد زیرا علاوه بر سبک تفکر سلسله مراتبی زانگ و استرنبرگ (۱۹۹۸) نشان دادند که سبک های تفکر محافظه کار به طور مثبت و سبک های مولد خلاقیت از قبیل سبک های قضایی و قانونی به طور منفی با پیشرفت تحصیلی رابطه دارند. زانگ (۲۰۰۱b) در پژوهش خود بین سبک های تفکر اجرایی و محافظه کار با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنی دار و بین سبک های تفکر آزادی خواه و قانون گذار با پیشرفت تحصیلی رابطه ی منفی و معنی دار و زانگ (۲۰۰۱c) در پژوهش دیگری بین سبک تفکر درونی با پیشرفت تحصیلی رابطه ی مثبت و معنی دار و بین سبک های تفکر قانون گذار، قضایی و آزادی خواه رابطه ی منفی و معنادار یافت. برناردو و همکاران (۲۰۰۲) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که علاوه بر سبک



سلسله مراتبی سبک های قضایی، اجرایی، درونی و محافظه کار با پیشرفت تحصیلی رابطه ی مثبت و معنی داری دارند. در پژوهش شکری و همکاران (۱۳۸۵) هم علاوه بر سبک تفکر سلسله مراتبی بین سبک های قضایی، قانون گذار و آزادی خواه با پیشرفت تحصیلی رابطه ی مثبت و معنی دار و بین سبک های اجرایی و محافظه کار با پیشرفت تحصیلی رابطه ی منفی و معنی دار وجود داشت؛ در حالی که در این پژوهش این چنین روابط معناداری یافت نشد. در تبیین این یافته می توان گفت از آنجایی که افراد دارای سبک سلسله مراتبی ترجیح می دهند توجه خود را بر تکالیف اولویت بندی شده متمرکز کنند در نتیجه به نظر می رسد این افراد در هنگام امتحانات با برنامه ریزی و اولویت بندی دروس مشکل به خوبی از عهده امتحانات بر می آیند. نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعه ی رضوی و شیرینی (۱۳۸۷) که به این نتیجه رسیدند که فقط سبک تفکر آزادی خواه با پیشرفت تحصیلی رابطه ی مثبت و معنی داری دارد، همسو نیست. امامی پور و سیف (۱۳۸۲) هم در پژوهش خود که بر روی دانشجویان و دانش آموزان انجام شده بود به این نتیجه دست یافته بودند که در میان دانش آموزان فقط سبک تفکر آزادی خواه و سلسله مراتبی با پیشرفت تحصیلی رابطه ی مثبت و معنی داری دارد و در میان دانشجویان تنها بین سبک تفکر گروه سالار با پیشرفت تحصیلی رابطه ی منفی و معنی داری وجود دارد. زانگ (۲۰۱۰) معتقد است که دانشجویان برای موفقیت تحصیلی در فرهنگ خودشان نیاز به داشتن ترجیح به سبک های تفکر خاص هستند. چون هر فرهنگ ارزش های خودش را دارد و هر سیستم آموزشی نظام پاداش متفاوتی دارد. سبک های تفکر خاصی که ممکن است در پیشرفت تحصیلی سهم داشته، در هر فرهنگ متفاوت باشند. بنابراین، اختلاف نتیجه ی پژوهش حاضر را با پژوهش های پیشین می توان با این دلیل تبیین کرد که این پژوهش در جامعه ای متفاوت یعنی در بستر فرهنگی متفاوتی انجام شد. امامی پور و سیف (۱۳۸۲) در پژوهش خود نشان دادند که بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ سبک های تفکر، در سبک تفکر اجرایی، قضایی، سلسله مراتبی، هرج و مرج سالار، بیرونی و محافظه کار تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین سبک های تفکر، در سبک تفکر اجرایی، قضایی، سلسله مراتبی، هرج و مرج سالار، بیرونی، و محافظه کار برای دانشجویان دختر بیشتر از پسر است. و به طور کلی میانگین سبک های تفکر دختران بالاتر از میانگین سبک های تفکر پسران بود. در پژوهش رضوی و شیرینی (۱۳۸۷) پسران نسبت به دختران دارای تفکری قانون گذارانه تر، کلی تر و محافظه کار تر بودند. ابوالقاسمی نجف آبادی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود نشان دادند که سبک اجرایی دختران بیشتر از پسران و سبک قضایی پسران بیشتر از دختران است. از این رو با توجه به یافته های پژوهش حاضر پیشنهاد می شود که به نقش سبک های تفکر مختلف در پیشرفت تحصیلی دانشجویان توجه شود و همچنین به تفاوت های جنسیتی نیز در این بین توجه گردد.



ابوالقاسمی نجف آبادی، م؛ نظری فر، ف؛ کمالی، ه و حسینی هفشجانی، ت. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین کارکرد سبک های تفکر و پیشرفت تحصیلی میان دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه تهران. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۴۷، ۴۹-۶۱.

امامی پور، س و سیف، ع. (۱۳۸۲). بررسی سبک های تفکر در دانش آموزان و دانشجویان و رابطه آنها با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی. فصلنامه نوآوریهای آموزشی، ۳، ۳۵-۵۶.

سرمد، ز؛ بازرگان، ع و حجازی، ا. (۱۳۸۱). روش های پژوهش در علوم رفتاری. تهران، انتشارات آگاه.

شکری، ا؛ کدیور، پ؛ فرزاد، و؛ سنگری، ع و غنایی، ز. (۱۳۸۵). نقش رگه های شخصیت و سبکهای تفکر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان. فصلنامه روانشناسان ایرانی، ۷، ۷-۲۱۹-۲۳۵.

رضوی، ع و شیرینی، ا. (۱۳۸۴). بررسی تطبیقی رابطه سبک های تفکر دختران و پسران دبیرستانی با پیشرفت تحصیلی آنان. فصلنامه نوآوریهای آموزشی، ۱۲، ۸۶-۱۰۸.

عبدالله زاده، ع. (۱۳۸۸). مقایسه رابطه بین انواع سبک های تفکر با میزان یادگیری مبانی فناوری اطلاعات و ارتباطات در میان دانش آموزان دختر و پسر مدارس فنی حرفه ای شهرستان تهران. اندیشه های نوین تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء، ۴، ۱۲۵-۱۴۴.

مهدوی شکیب، ع. (۱۳۹۰). رابطه بین سبک های تفکر مدیران مدارس ابتدایی با سبک رهبری تحولی آنان بر اساس مدل بس و اولیو. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

Bernardo, Allan B. I.; Zhang, L.F & Callueng, C.M. (2002). Thinking styles and academic achievement among Filipino students. *The Journal of Genetic Psychology: Research and Theory on Human Development*, 163, 149-163.

Sternberg, R, J. (1997). *Thinking styles*. New York, Cambridge university press.



- Zhang, L. f. & Sternberg, R. J (1998). Thinking styles, abilities, and academic achievement among Hong Kong university students. *Hong Kong Educational Research Association*, 13, 41-62.
- Zhang, L.F. (2001b). Do styles of thinking matter among Hong Kong secondary school students? *Personality and Individual Differences*, 29, 841-856.
- Zhang, L.F. (2001c). Do thinking styles contribute to academic achievement beyond self-rated abilities? *The Journal of Psychology: Interdisciplinary and Applied*, 135, 621-637
- Zhang, L.f. (2010). Further investigating thinking styles and psychosocial development in the Chinese higher education context. *Learning and Individual Differences*, 20, 593-603.
- Zhang, L.f. (2011). The developing field of intellectual styles: Four recent endeavors. *Learning and Individual Differences*. 21, 311-318.

